

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَوْاعِدُ الضَّادِ

القواعد العربية للقراءة و الترجمة

النحو

قواعد کاربردی عربی معاصر برای متن خوانی و ترجمه

مهدى اصغری

سروشناسه	- ۱۳۵۲ : اصغری، مهدی،
عنوان و نام پدید آور	: قواعد الصّاد (۲) دستور کاربردی قواعد زبان عربی برای متن خوانی و
ترجمه	ترجمه
مشخصات نشر	: تهران، مهدی اصغری، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري	: ۲۶۴ صفحه.
شابک	: ۹۷۸-۰-۰-۶۳۳-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
مندرجات	: ج ۲: دستور کاربردی زبان عربی برای متن خوانی و ترجمه
یادداشت	: چاپ اول
موضوع	: زبان عربی، صرف نحو
رده بندی کنگره	pj ۶۱۴۱ / الف ۱۳۹۲ ق ۱۳۹۲
رده بندی دیوبی	: ۴۹۲/۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۷۰۸۷۶
تاریخ درخواست	: ۱۳۹۲/۶/۲۷
تاریخ پاسخگویی	: ۱۳۹۲/۷/۱
کد پیگیری	: ۳۴۰۴۹۰۴

قواعد الصّاد

(جلد دوم)

تألیف: مهدی اصغری

تایپ و صفحه آرایی: آیلین پور خدا ایار

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: یکم / زمستان ۱۳۹۲

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۸۸۴۵۹۸۷۲ و ۰۹۳۵-۵۵۸۳۳۵۴

سایت: www.zabanedovom.com

حق شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر از این اثر فقط برای مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمة	٥
درس ١: المرووعات: الفاعلُ و نائبُ الفاعل	١٠
درس ٢: المرووعات: المبتدأ و الخبر(١)	٢٢
درس ٣: المرووعات: المبتدأ و الخبر (٢)	٣١
درس ٤: المرووعات: اسم الأفعال الناقصة	٣٩
درس ٥: المرووعات: اسمُ الحروفِ المشبهةِ بليس و أفعالِ المقاربة	٤٨
درس ٦: المرووعات: خبرُ الحروفِ المشبهةِ بالفعل	٥٧
درس ٧: المرووعات: خبرُ لا النافيةِ للجنس	٦٦
درس ٨: المجرورات: الإضافةُ و حروفُ الجرّ	٧٢
درس ٩: المراجعة	٨٤
درس ١٠: المنصوبات: المفعول به (١)	٩٨
درس ١١: المنصوبات: المفعول به (٢)	١٠٦
درس ١٢: المنصوبات: المُنادي	١١٥
درس ١٣: المنصوبات: التَّدْبِيَةُ و الاستغاثة، التَّحْذِيرُ و الأَغْرِيَةُ و الْخُصُوصَاتُ	١٢٤
درس ١٤: المنصوبات: أسماءُ التَّعْجِبِ و التَّفْضِيلِ و افعالُ المدحِ و الدَّمِ	١٣٣
درس ١٥: المنصوبات: المفعول المطلق و	١٤٢
درس ١٦: المنصوبات: المفعول فيه و المفعول له	١٥٣
درس ١٧: المراجعة: المنصوبات	١٦٣

١٧٣	درس ١٨: المنصوبات: حال
١٨٣	درس ١٩ : المنصوبات: التمييز
١٩١	درس ٢٠ : المنصوبات: الاستثناء
١٩٩	درس ٢١: التّوابع: النّعتُ و التّوكيدُ
٢٠٩	درس ٢٢: التّوابع: العطف و البَدَل
٢١٨	درس ٢٣: انواع الجمل و أعرابها
٢٢٨	درس ٢٤: المراجعة
٢٣٩.....	المفردات
٢٦٤	فهرس المصادر

مقدمه

زبان عربی

عربی یک زبان است. عربی زبان وحی و سنت معمصومین علیهم السلام و زبان علم و ادب و هنر گذشته‌ی این مرز و بوم است. امروزه نزدیک به دو میلیارد مسلمان در سراسر جهان در پیوندی ناگسستنی با این زبان در ارتباطند و مردم ۲۲ کشور با این زبان سخن می‌گویند، می‌نویسن، می‌خوانند و می‌شنوند. مهمترین رویدادهای امروز جهان با این زبان و کاربران آن گره خورده است. بخش عمده‌ای از درآمد ناخالص جهان به کشورهای عرب زبان تعلق دارد. زبان عربی یکی از شش زبان رسمی در سازمان ملل متحد است. این واقعیت‌ها و بیش از این‌ها بیانگر بخشی از اهمیت جهانی و رشد روزافزون کاربرد این زبان است.

اگر عربی را به عنوان یک زبان پذیریم باید پذیرفت که فرآیند یادگیری دستور آن می‌بایست به سمت آشنایی با مهارت‌های اصلی زبان یعنی سخن‌گفتن و نوشتن و درک مفهوم آن هنگام شنیدن و خواندن به سرانجام رسد. از این نگاه قواعد عربی ابزاری است برای فهمیدن و فهماندن مقصود زبان نه هدف و غایت آموزش آن و نکات دستوری در این فرآیند وسیله‌ای است از وسائل درک معانی در مسیر برقراری ارتباط با گویشوران و کاربران این زبان.

اهداف کتاب

با علم به آنچه گفته شد هدف اصلی مجموعه کتاب‌های "قواعد الضاد"^۱ از آموزش دستور زبان عربی، دستیابی مخاطبیش به مهارت درک متون عربی همزمان با خواندن آن و کسب توانائی ترجمه‌ی این متون و در نهایت به دست آوردن آمادگی برای سخن‌گفتن و

^۱ زبان عربی در میان عرب زبانان به "لغة الضاد" شهرت یافته و این کتاب، "قواعد الضاد" نام‌گرفته است تا اشاره‌ای باشد به نگاه آن به عربی به عنوان یک زبان با تمام ویژگی‌های کاربردی آن.

نوشتن با این زبان است. البته پر واضح است که تحقق این هدف با فرض موققیت این مجموعه در طی این مسیر امکان‌پذیر نیست مگر آنکه چنین هدفی در نگرش، باور و گُنش مدرس و یادگیرنده‌ی آن نیز متبلور شود و در دستور کار آموزش ایشان قرار گیرد.

آشنایی با کتاب

به منظور دستیابی به هدف پیش گفته، هر درس با شرح نکات دستوری و با مثال‌های کاربردی در گفت و گوهای روزمره و در تمرینات با یک متن هدفمند با سبک و سیاق داستانی آغاز می‌شود که شامل شاهد مثال‌های ویژه‌ی آن درس است اینگونه، مثال‌های موضوعات دستوری در متون کاربردی عربی معاصر دیده و بررسی می‌شود. این متون به همراه تمرین‌ها افزون بر ۳۰۰۰ واژه‌ی معاصر عربی را در بر دارد. تمرین‌ها، متنوع و تامل برانگیز طراحی شده است تا ذهن یادگیرنده را به چالش کشد و او را به تحلیل و تفکر و ادارد. تمرین‌ها، موضوع دستوری هر درس را در دو بعد تشخیص و کاربرد پوشش می‌دهد و در پایان هر درس، با پرسش‌های ۴ گزینه‌ای (مشتمل بر نزدیک به ۱۰۰۰ سؤال) و کلمات جدید آن درس، به اتمام می‌رسد. از طرفی برای کاربردی شدن صرف، از ابتدای کتاب بخشی از نحو که کاربرد بیشتری دارد نیز آورده شده است لذا در کنار کلمه از جمله و اجزاء اصلی تشکیل دهنده‌ی آن نیز سخن می‌گوئیم و تمرین می‌کنیم. همچنین به منظور مرور و یادآوری مطالب دروس گذشته، درس‌هایی با عنوان «مراجعه» در خلال دروس گنجانده شده است.

چگونه بیاموزیم

در شیوه‌ی درست یادگیری قواعد، مثال‌ها تحلیل شده و از آنها قاعده استنباط می‌شود سپس آن قاعده در مثال‌های متنوع جستجو شده و سعی در اجرای آن در نمونه‌های دیگر می‌شود. نتیجه این یادگیری می‌باشد در درک همزمان با خواندن درست متن و ترجمه‌ی آن به زبان فارسی تبلور یابد. لذا قواعد را باید در مثال‌ها آموخت و مثال‌ها را به عنوان کدهای یادگیری و تعمیم قاعده و نهایتاً تولید موارد مشابه به خاطر سپرد.

تمرین‌های کتاب، متنوع و چند بعدی و نوعاً دشوار است. تمرین دشوار نشانه‌ی یادگیری است و تمرینات آسان به معنای تکرار اطلاعات گذشته و تثیت آن است. هدف از تمرین کردن کسب مهارت است نه حفظ یا افزایش اطلاعات. اطلاعات در اثر پردازش و تکرار به مهارت و آنگاه به ملکه‌ی ذهن تبدیل می‌شوند و مهارتی که ملکه‌ی ذهن شود پایدار و ماندگار است.

تمرین به معنای تحلیل، استنتاج و تکرار، اساس یادگیری و محور اصلی رویکرد این کتاب است. از این رو نوشتن تمرین تنها پس از تکرار آن سودمند است. پردازش اطلاعات در ذهن و تکرار آن، عامل انتقال آن اطلاعات از حافظه‌ی کوتاه مدت به بلند مدت و موجب پایداری و ماندگاری آن در ذهن است.

دستورالعمل‌های تأليف کتاب

- ۱ زبان آموزش دستور عربی به لحاظ محتوا، زبان عمومی نوشتار و گفتار در کاربرد روزمره و امروزی زبان عربی صحیح است.
- ۲ به مثال و تمرین و تکرار بیش و پیش از نکات دستوری و تحلیل صرفی و نحوی توجه شده است.
- ۳ از توجه به شکل انتزاعی و کلی قواعد پرهیز شده است دانش زبانی در حیطه‌ی دستور زبان محدود به دانستن و آشنایی با اصطلاحات دستوری و انباشت محفوظات در ذهن نیست.
- ۴ موضوع آموزش، معنا و محتوای زبان و نه لفظ و شکل آن است لذا معنا مداری موضوع و محور یادگیری زبان تلقی شده است و شکل الفاظ و قواعدِ کلمه و کلام، ابزاری است برای انتقال معانی و دریافت آن.
- ۵ اطلاعات زبانی و محفوظات در خدمت درک و بیان مفهوم زبان و دستیابی به مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان به کار گرفته شده است.

۶ از توجه به شاذ و نادر و خلاف اصل که فرآیند آموزش را از اهتمام به اصل کاربردی زبان منحرف می‌سازد پرهیز شده است.

۷ ترجمه‌ی روان جهت دستیابی به درک مطلب و تمرین نگارش زبان فارسی به عنوان بخشی از دانش زبانی زبانآموز در دستور کار قرار گرفته است.

۸ هدف؛ ۱ - درست ۲ - روان و ۳ - سریع خواندن متون و درک صحیح و همزمان مفهوم آن است.

۹ مشاهده، تشخیص و تحلیل سپس استنتاج قاعده و کاربرد آن و تولید موارد مشابه محور آموزش است.

۱۰ مخاطب این مجموعه مقطع دبیرستان را به پایان رسانده است.

زمان بندی آموزش کتاب

موضوع اصلی جلد اول صرف است که شامل ۴۲ درس می‌شود. به طور میانگین برای ۱ - تدریس هر درس ۲ - پرسش از آن و ۳ - انجام تمریناتش (بسته به تعداد یادگیرندگان در کلاس و سطح و پیش زمینه‌ی علمی آنها) حداقل ۳ ساعت و حدأکثر ۵/۴ ساعت وقت در نظر گرفته شده است. بنابراین جلد اول را می‌توان بین ۱۲۶ تا ۱۸۹ ساعت آموزش داد.

موضوع جلد دوم نحو است و از ۲۴ درس تشکیل می‌شود. برای تدریس هر درس و پرسش از آن و انجام تمریناتش در کلاس از ۵/۴ تا ۶ ساعت وقت اختصاص داده شده است. از این رو جلد دوم در مدت زمان ۱۰۸ تا ۱۴۴ ساعت قابل آموزش است.

علم النحو

در مباحث صرفی به بررسی کلمه (فعل و اسم) به تنها ی (خارج از ترکیب) پرداختیم. مثلاً فعل را از ابعاد گوناگون همچون زمان، صیغه، حروف اصلی و اسم را از نظر تعداد، جنس، معرفه یا نکره بودن . . . مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم.

اما در علم نحو به بررسی موقعیت کلمه در پیوند با کلمات دیگر می‌پردازیم و نقش و اعراب آن را در ارتباط با اجزاء دیگر ترکیب بررسی می‌کنیم. مثلاً در عبارت: **زارَ عَلَيْ صَدِيقَةُ الْحَمِيمِ**، «**عَلَيْ**» نقش فاعلی داشته، اعراب آن رفع است و «**صَدِيقَ**» نقش مفعولی دارد و اعرابش نصب می‌باشد و ضمیر «**هُ**» مضاف‌الیه بوده و اعراب آن جر است و بالاخره «**الْحَمِيمِ**» صفت (صدیق) بوده اعراب آن به تبعیت از موصوفش (صدیق) نصب می‌باشد.

هر یک از اسماء: **عَلَيْ** (مرفوع)، **صَدِيقَ** (منصوب)، **هُ** (محروم) و **الْحَمِيمِ** (تابع منصوب) را به ترتیب در مباحث مرفووعات، منصوبات، محرومارات و توابع خواهیم خواند.

این ۴ مبحث تشکیل دهنده موضوع علم نحو هستند. هر یک از این مباحث شامل مصادیقی است که در ترکیب، نقش‌های نحوی به شمار می‌آیند. مثلاً مرفووعات، شامل فاعل، نائب فاعل، مبتدا، خبر، اسم افعال ناقص و مقاریه و حروف شبیه به لیس و خبر حروف شبیه به فعل و لام نفی جنس می‌شود.

١

المرفوعات: الفاعلُ و نائبُ الفاعل

- ١ فاعل چیست؟
- ٢ انواع فاعل کدامند؟
- ٣ نائب فاعل چیست؟
- ٤ موارد وجوب و جواز تأثیث فعل کدامند؟
- ٥ جمله مُؤَوَّل به مصدر کدام است؟

۱ الفاعل: فاعل اسمی مرفوع است که پس از فعل معلوم و تام به کار رفته و به آن اسناد داده می‌شود. در نتیجه فعل، حرف و یا اسم منصوب یا بمحروم و یا اسمی که قبل از فعل آمده است نمی‌تواند فاعل باشد. و همچنین اسمی که به فعلی ناقص مانند کانَ نسبت داده شود فاعل نیست.

با توجه به آنچه که گفته شد، علیُّ در عبارت: **كَتَبَ عَلِيٌّ** فاعل است و فاعل در عبارت: **عَلِيٌّ كَتَبَ** هو مستتر بوده و در عبارت: **الْتَّالِمِيْدُ كَتَبُوا** فاعل، ضمیر بارز "وَوْ" می‌باشد. همچنین در جمله‌ی: **يُمْكِنُنِي أَنْ أَكْتُبَ بِالْعَرَبِيَّةِ**: (نوشتن به عربی برایم امکان‌پذیر است یا می‌توانم به عربی بنویسم) عبارت: **أَنْ أَكْتُبَ** به معنای: کتابه می‌باشد و فاعل **مُؤَوَّل** به شمار می‌رود.

۲ أنواع الفاعل: با توجه به مثال‌های بالا، فاعل می‌تواند اسم ظاهر مانند: «علیٰ» یا ضمیر مستتر مانند: **هُوَ** و یا ضمیر بارز **وَوْ** باشد. فاعل در این مثال‌ها اصطلاحاً "صریح" است. فاعل صریح در برابر فاعل **مُؤَوَّل** مانند: **أَنْ أَكْتُبَ** به کار می‌رود.

فاعل در صیغه‌های ۱ و ۴ افعال ماضی و مضارع اسم ظاهر یا ضمیر مستتر است. لذا ضمایر در این دو صیغه جائز الاستئراند. مانند: **ذَهَبَ حَسِينٌ** (حسین): فاعل: اسم ظاهر) **ذَهَبَتْ فَاطِمَةُ**: (فاطمه: فاعل: اسم ظاهر) **فَاطِمَةٌ تَذَهَّبُ**: (فاعل: ضمیر مستتر هي) **حَسِينٌ يَذَهَّبُ**: (فاعل: ضمیر مستتر هو).

در صیغه‌های ۷ و ۱۳ و ۱۴ افعال مضارع، ضمایر مستتر **أَنْتَ**، **أَنَا** و **نَحْنُ** به ترتیب فاعل هستند. این ضمایر واجب الاستئراند. یعنی فاعل در این صیغه‌ها نمی‌تواند اسم ظاهر یا ضمیر بارز باشد.

٣ نائب الفاعل: هر گاه اسمی مرفوع پس از فعلی مجهول، تام و متصرف آمده به آن اسناد داده شود، آن اسم نائب فاعل نامیده می‌شود. ویژگی‌ها و قواعد فاعل و نائب فاعل به استثناء مجهول بودن فعل نائب فاعل یکی است لذا نائب فاعل نیز دارای احکام فاعل و اقسام اسم ظاهر و ضمیر مستتر و بارز و مؤول می‌باشد. مانند: يُكَتِّبُ الْدَّرْسُ. الْتَّلَامِيْدُ نُصِّرُوا.

نائب فاعل: اسم ظاهر

نائب فاعل: ضمیر بارز واو

و مانند: **أُعْلِنَ أَنَّ الطَّالِبَ ناجحٌ في الامتحان:** (اعلام شد که دانشجو در امتحان قبول شده است یا قبولی دانشجو در امتحان اعلام شد.) **أَنَّ الطَّالِبَ ناجحٌ** به معنای: **نجاحُ الطَّالِبِ** بوده و نائب فاعل است.

٤ تأنيث الفعل و تذکیره: در صورتی که فعل در صیغه‌های ۱ و ۴ ماضی و مضارع به مؤنث حقیقی اسناد داده شود، باید مؤنث آورده شود در این صورت گفته می‌شود فعل واجب التأنيث است و فرقی نمی‌کند به ظاهر آن اسناد داده شود، مانند: **تذهبُ فاطِمَةً** (فاطمة اسم ظاهر و فاعل است) یا به ضمیر آن مستند باشد، مانند: **فاطِمَةٌ** (هي مستتر، فاعل و عائد به مؤنث حقیقی است) و مانند: **الشَّاهَةُ بِيَعْتِ**: (**گوسفند** فروخته شد) که نائب فاعل هي مستتر عائد به مؤنث حقیقی است و در **بِيَعْتِ الشَّاهَةُ** نائب فاعل اسم ظاهر **الشَّاهَةُ** است.

همچنین اگر فعل یا نائب فاعل ضمیری مستتر باشد که به مؤنث مجازی برمی‌گردد، تأنيث فعل واجب است. مانند: **النَّافِذَةُ انسَدَّتْ** (پنجره بسته شد) که فاعل هي مستتر عائد به مؤنث مجازی است و مانند: **النَّافِذَةُ فُتِّحَتْ** که نائب فاعل هي مستتر عائد به مؤنث مجازی است اما در صورت اسناد فعل به ظاهر مؤنث مجازی، تأنيث و تذکیر آن یکسان است یعنی فعل جائز التأنيث است، مانند: **إِنْسَدَّتْ** یا **إِنْسَدَّ**

النافذة که فاعل اسم ظاهر و مؤنث مجازی است و مانند: **فُتح** يا **فتح النافذة** که نائب فاعل اسم ظاهر و مؤنث مجازی است.

يادآوری: حکم جمع مکسر و جمع مؤنث سالم برای غیر انسان همچون مفرد مؤنث مجازی است یعنی در صورت اسناد فعل به ظاهرشان جائز التأنيث و در صورت اسناد به ضمیر آنها فعل، واجب التأنيث است. مانند: طار يا طارت الطيور/الطير طارت (واجب التأنيث) / بيع يا بيعت الساعات/الساعات بيعت (واجب التأنيث) در صورتیکه فاعل، اسم ظاهر مثنی یا جمع باشد یعنی فعل مقدم بر اسم مثنی یا جمع باشد فعل، مفرد به کار می‌رود مانند: كتب الرّجلاں یا الرّجال / يَعْمَلُ الرّجلاں یا الرّجال / ذهبتِ المرأةن یا النساء / تَمَشَى المرأةن یا النساء و در حالت مقدم بودن اسم مثنی یا جمع بر فعل و اسنادشان به آن، فعل را مناسب با اسم سابق مثنی یا جمع به کار می‌بریم مانند: الرجال کتبوا / الرجال يَعْملان / الرّجال يَعْملون / المرأةن ذَهَبَتا / النساء ذَهَبَن / المرأةن تَمَشِيان / النساء يَمْشِين.

برای مجھول کردن ساختار یک جمله، فاعل را حذف کرده مفعول به را رفع داده به جای فاعل قرار می‌دهیم. سپس اسم مرفوع را به فعل مجھول اسناد می‌دهیم در این صورت مفعول به نائب فاعل به شمار می‌رود. مانند: استَخَدَمَ التَّلَمِيذُ الْكَلِمَاتِ الْجَدِيدَةَ —> أَسْتَخَدِمَتِ الْكَلِمَاتُ الْجَدِيدَةُ (مجھول).

در افعال متعددی به دو مفعول پس از مجھول شدن، مفعول اول مرفوع شده و نائب فاعل به شمار می‌آید. اما مفعول دوم به همان شکل منصوب و مفعول به باقی می‌ماند. مانند: سَمِّيَ الْوَلِيدُ عَلَيًّا: (نوزاد را علی نامیدیم) الْوَلِيدُ مفعول ۱ علَيًّا: مفعول ۲(مجھول) —> سُمِّيَ الْوَلِيدُ عَلَيًّا (نوزاد علی نامیده شد) الْوَلِيدُ: نائب فاعل

علياً: مفعول به و مانند: أعطيت التلميذ كتاباً، التلميذ: مفعول ١ كتاباً: مفعول ٢ ←
أعطي التلميذ كتاباً (جهول)، التلميذ: نائب فاعل كتاباً: مفعول به

٥ المؤول الى المصدر: برخی جملات در معنا معادل مصدر فعلشان هستند. مثلاً جملاتی که از "آن" ناصبه به همراه فعل مابعدش تشکیل می‌شوند برابر مصدر آن فعل به شمار می‌آیند. مانند: يعجبني أن أشرب القهوة بالحليب. (خوشم می‌آید قهوه را با شیر بنوشم): ي مفعول و أن أشرب: فاعل است. (أن أشرب) به معنای (شرب: نوشیدن) است. (شرب) مصدر مؤول یا تفسیر شدهی (أن أشرب) است و در اینجا به دلیل فاعل بودن مرفوع است. لذا تأویل یا تفسیر جمله فوق چنین است: «يعجبني شرب القهوة بالحليب».

امکنی أن أشارك في فصول الجامعة (شرکت در کلاس‌های دانشگاه برای من امکان‌پذیر شد) «أن أشارك» در تأویل «المشاركة» است. یعنی أمکنی المشاركة همچنین «أن» و جمله‌ی ما بعدش در معنای مصدر فعل آن جمله است مانند: أظن أن الشوارع تزدحم اليوم (فکر می‌کنم خیابانها امروز شلوغ می‌شود). أن الشوارع تزدحم به معنای «ازدحام الشوارع» بوده و مفعول به و مصدر مؤول منصوب است. موارد دیگر تأویل جمله به مصدر را در دروس آینده می‌آموزیم.

❖ ١ إقرأ النص قراءةً صحيحةً ثم ترجمته إلى الفارسية.

بعد انتهاء العام الدراسي عزم والدي على قضاء فصل الصيف في الجبل ليهرب من حرّ المدينة و دخان مصانعها و كثرة أشغالها و ليطلب الراحة و الاستجمام. يتمتع الجبل بمناظره الجميلة و مناخه الجيد الذي يبعث النشاط و الحيوانية في النفوس. لذلك لم يترك مكان دون أن تستحوذ فيه. فمن راية إلى أخرى و من نبع إلى آخر و

كُنّا لا نَعُودُ إِلَى الْبَيْتِ إِلَّا فِي الْمَسَاءِ. وَ فِي الصَّبَاحِ الْبَاكِرِ كُنّا نَسْتَيِقِظُ لِتَقْوِيمِ بِجَوَلَةٍ أُخْرَى.

كُنْتُ أَتَأْبَطُ كِتَابِي وَ أَقْصِدُ النَّبَعَ الْمُحَاوِرَ، أَقْرَأَ حِينًا وَ أَسْتَلْقِي عَلَى صَخْرَةٍ مَلْسَاءَ فِي حِينٍ آخَرَ وَ أَنَا تَحْتَ ظِلِّ شَجَرَةِ الصَّنْوَبِرِ الَّتِي يَتَوَافَدُ إِلَيْهَا الطُّيُورُ كَمَا كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَى الْحُقُولِ وَ الْبَسَاتِينِ الَّتِي كُسِيَّتُ بِخُضْرَةِ الْبَاتَاتِ وَ مُلْثَتَ بِوَفْرَةِ التَّمَارِ. ما أَجْمَلَ الْحَيَاةَ فِي الْجَبَلِ. إِنَّهَا تَجْعَلُ الْإِنْسَانَ مُتَعَلِّقًا بِالْأَرْضِ وَ الطَّبَيْعَةِ. كَمْ أَتَمَنَّ لَوْ تَكُونُ إِقَامَتِي فِي الْجَبَلِ وَ لَكِنَّ الصِّيفَ قَدْ إِنْتَهَى وَ فُتِحَتْ ابْوَابُ الْمَدَارِسِ لِيُسْتَقْبَلَ فِيهَا الطُّلَّابُ وَ لِيُعَدُّوا لِلْحَيَاةِ. آهْ لَيْتَ الصِّيفَ يَدُومُ.

❖ ٢ أَجِبْ عن الأَسْئِلَةِ التَّالِيَةِ حَوْلَ النَّصِّ السَّابِقِ.

١ مَنْ عَزَّمَ عَلَى قَضَاءِ فَصْلِ الصَّيفِ فِي الْجَبَلِ؟

٢ بِمَا يَتَمَتَّعُ الْجَبَلُ؟

٣ مَتَى كَانُوا يَسْتَيِقِظُونَ؟

٤ مَاذَا كَانَ الْكَاتِبُ يَتَأْبَطُ؟

٥ إِلَمْ كَانَ يَظْرُفُ؟

٦ كَيْفَ تَجْعَلُ الْإِنْسَانَ حَيَاةً الْجَبَلِ؟

❖ ٣ إِمَالُ الجَدُولِ التَّالِيِّ بِأَنْوَاعِ الْفَاعِلِ وَ نَائِبِ الْفَاعِلِ فِي النَّصِّ.

فَعْلُه	عَلَامَةُ رَفِعِهِ	نُوعُهُ	نَائِبُ فَاعِلٍ	الْفَاعِلُ
عَزَّمَ	تقديرٍ	اسمٌ ظاهرٌ	-----	والدي
كُسِيَّتْ	محليٍّ	ضميرٌ مستترٌ	هيٌّ	-----

❖ ٤ حَوْلَ الْمَبْنِيَّةِ لِلْمَعْلُومِ إِلَى الْمَبْنِيَّةِ لِلْمَجْهُولِ وَبِالْعَكْسِ وَغَيْرِهِ مَا يَلْزَمُ.

- ١ أُقِيمَ حَفْلٌ عَظِيمٌ بِمُنَاسَبَةِ يَوْمِ التَّلْمِيذِ. (المدرسة)
- ٢ أَبْسَطَ الْأُمُّ الْبِنْتَ ثِيَابًاً جَمِيلًاً.
- ٣ جَيِّءَ بِمَوْضِعَاتٍ مُهِمَّةٍ فِي هَذَا الْكِتَابِ. (الكاتِبَةُ)
- ٤ لَا أَنْسَى تِلْكَ اللَّحْظَاتِ الَّتِي قَضَيْتُهَا فِي الْمَدَرَسَةِ.
- ٥ ضُمِّدَتِ الْجَرْوُحُ وَخُفِّفَ عَنِ الْآلَامِ فِي الْمُسْتَوْصَفِ. (الْمُمَرِّضَةُ)
- ٦ إِهْتَمَ الْمَسْؤُلُونَ بِتَنْظِيمِ الْمُرُورِ، فَاقَامُوا الْجُسُورَ وَحَفَرُوا الْأَنْفَاقَ.
- ٧ رُوِيَتْ أَحْدَاثُ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ وَنُقِلَتْ مِنْ جَيْلٍ إِلَى آخَرَ . (النَّاسُ)
- ٨ أَرْسَلْنِي إِلَى الْمَدَرَسَةِ ثُمَّ أُرْجِعُ بِي إِلَى الْبَيْتِ مَسَاءً.
- ٩ بُنِيَتِ الْأَكْوَاحُ ثُمَّ أُحِيطَتْ بِسُورٍ مِنْ اغْصَانِ الْأَشْجَارِ. (الْفَلَّاحُونَ)
- ١٠ أَعْطَى الْأَبُوْ الطَّفْلَةَ مِبْلَغاً مِنَ الْمَالِ.

❖ ٥ بَيْنَ اِنْوَاعِ الْأَسْمَاءِ الْمُشَارِ إِلَيْهَا بِخَطْهِ فِي النَّصِّ كَمَا فِي الْمَثَالِ:

العلامة نصيحة	نوعه	المنصوب	العلامة جرة	نوعه	المجرور
فتحة	مفعول به	الراحة	كسرة	مضاف اليه	العام

❖ ٦ اَكْتُبِ التَّحْلِيلَ الْصَّرْفِيَّ لِلْأَفْعَالِ التَّالِيَّةِ كَمَا فِي الْمَثَالِ.

(لِيَهُرُبَ - لَمْ يَتَرَكْ - أَنْ نَتَجَوَّلَ - كُسِيتْ - نَسْتَيْقِظُ - قَدْ اَنْتَهَىَ - كُنَّا - أَضِفْ)

التابع الناقص	التابع المبني	المعنى	الجنس	المعنى	اللازم	المعنى	الصيغة	نوعه	ال فعل

تَامٌ	مَعْرُوب	سَالِمٌ	مَعْلُومٌ	لَازِمٌ	ثَلَاثَى مُجَرَّدٌ	الْغَائِبُ	مَضَارِعٌ مَنْصُوبٌ	لَيَهُرُبَ
-------	----------	---------	-----------	---------	-----------------------	------------	------------------------	------------

❖ ٧ أَكْتُب التَّحْلِيلَ الصَّرْفِيًّ لِلأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ كَمَا فِي الْمَثَالِ.
(والدي - أخرى - البستين - الأرض - النباتات - ملساء - الليالي)

عَالِمَةُ الْأَعْرَابِ	مَنْصُوفٌ غَيْرِ مَنْصُوفٍ	مَعْرُوبٌ مَبْنِيٌّ	صَفَةٌ مَوْصُوفٌ	جَامِدٌ مَشْتَقٌ	نَكْرَةٌ مَعْرُوفَةٌ	مَذَكُورٌ مَؤْنَثٌ	مَفْرُدٌ مَشْنَىٰ جَمْعٌ	اسْمٌ
تَقْدِيرِيٌّ	مَنْصُوفٌ	مَعْرُوبٌ	مَوْصُوفٌ	اسْمٌ الْفَاعِلُ	مَعْرُوفَةٌ	مَذَكُورٌ	مَفْرُدٌ	وَالْدِيٌّ

- ❖ ٨ إِمَالُ الفَرَاغَاتِ بِالْأَفْعَالِ الْمُنَاسِبَةِ مُسْتَعِينًا بِمَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ.
- ١ الشوارع السريعة . . . حركة المرور في المدينة الكبيرة. (س ه ل / مضارع / تفعيل)
 - ٢ . . . رجال الإطفاء الحانوت من الحريق بسرعة. (ن ق ذ / ماضي / إفعال)
 - ٣ التلاميذ النشيطات . . . في ساحة المدرسة. (و ق ف / ماضي / ثلاثي مجرّد)
 - ٤ . . . المُمَرِّضاتُ بالمصابين في قسم الطوارئ. (ع ن ي / مضارع / افعال)
 - ٥ السجاجيد الإيرانية . . . في أنحاء العالم يجودنها. (ب ي ع / مضارع مجھول / ثلاثي مجرّد)
 - ٦ المزارعون في المزارع . . . الحشرات التي . . . بالمحاصيل الزراعية. (ك ف ح / مضارع / مفاجلة) (ض ر ر / مضارع / إفعال)
 - ٧ . . . حفلة كبيرة في المدرسة تكريماً لمنزلة المعلم. (ق و م / ماضي مجھول / إفعال)
 - ٨ الأطفال الأبراء . . . في شوارع فلسطين. (ش ه د / مضارع مجھول / استفعال)